

فرو آورد و دعای برکت کردی الخال صح فریب و پیشتر شده چون
بر طحال خود در آورده کنتی فرزند ی باید که هر روز کوسند از آن
چنین چنانی من کنتم امروزم کوسند از چنان چه اندیم که هر روزی
چرا اندیم آن قصه دیگر است و قصه را حکایت کردم ما در و خالی
نیز با هم آوردند و اسلام آوردند **رکن خاص**
در بیان آنچه خصوصیت یکی این اوقات ندانسته باشد و در بیان
آنچه ولادت آن بعد از اوقات ظاهرا شده باشد و آن دو قسم است
فصل اول در بیان آنچه خصوصیت یکی این اوقات ندانسته
و از اجزای آن که به جهت تناسب اعضا و حسن آن بر وجهی که
بر آن مزیدی متصور نیست چنانچه در بسیاری از احادیث معتبر
رسیده است و در او وصف وی صلی الله علیه و سلم آمده است که آیا
بلا بود در کمال اعتدال و با وجود این بیج بلند بالای که بطول قامت
منسوب بودی با وی همراه کردی که قامت آن حضرت از قامت
بلند تر نمودی و چون سخن گفتی روشنائی دیده شدی که از شما دیدنی
و بیرون آمدی در شب چهارده در ماه نظر کردن در روی او
حسن ماه در مقابل روی جهان افروز اوقات قصی نمود عایشه
الله عنها در جبهه خود چیزی کم کرده بود و منی یافت رسول صلی الله علیه
و آله منور چینه مبارک او چهره روشن شد عایشه رضی الله عنها گفت
خردا باز یافت **و از اجزای آن** نفاقت جسم و طیب را چو

صلی الله علیه و سلم

عرق و زناخت بدن وی از قاذورات انس گوید رضی الله عنه که هرگز
نبویسیم هیچ چیزی و هیچ مشک و هیچ بوی خوشتر از بوی رسول
صلی الله علیه و سلم آورده اند که هیچ کس با وی معانی کردی مگر که
منه آن روز بوی خوش از آتشید و دست بر سر هیچ کس نهد
مگر که آن کودک از سر کودکان بوی خوش ممتاز گشتی روزی در
انس رضی الله عنه در خواب شده بود و عرق کرده مادر انس
رضی الله عنها شیشه آورده بود و آن عرق را جمع کردی
رسول صلی الله علیه و سلم از وی پرسید که این را چه می کنی
گفت این را با بوی خوش خودی آمیزم زیرا که این خوشبوی
ترین همه بویهای خوش است و بخاری رحمة الله در تاریخ
بیر خود آورده است که چون رسول صلی الله علیه و سلم برای
بگذشتی هر که از وی در آمدی بدانی که وی از آن راه گذشته
است و اسحاق بن راهویه گفته است که آن را بچه خاقه وی
بودند آنکند طیبی بکار برده بود صلی الله علیه و سلم **و از آن جمله**
آنست مندیلی که بروی مبارک وی رسیده بود آتش بر آن
کار نمی کرد جماعتی همان انس بن مالک رضی الله عنه شده اند برای
ایشان طعام آورد چون فایز شدند کینه که خود را آواز داد
که فلان مندی را با آن کینه که مندی را چنان آورد انس و میرا
گفت در تنور آتش برافروز آتش بر افروخت پس بنمود

عرق و زناخت بدن وی از قاذورات انس گوید رضی الله عنه که هرگز
نبویسیم هیچ چیزی و هیچ مشک و هیچ بوی خوشتر از بوی رسول
صلی الله علیه و سلم آورده اند که هیچ کس با وی معانی کردی مگر که
منه آن روز بوی خوش از آتشید و دست بر سر هیچ کس نهد
مگر که آن کودک از سر کودکان بوی خوش ممتاز گشتی روزی در
انس رضی الله عنه در خواب شده بود و عرق کرده مادر انس
رضی الله عنها شیشه آورده بود و آن عرق را جمع کردی
رسول صلی الله علیه و سلم از وی پرسید که این را چه می کنی
گفت این را با بوی خوش خودی آمیزم زیرا که این خوشبوی
ترین همه بویهای خوش است و بخاری رحمة الله در تاریخ
بیر خود آورده است که چون رسول صلی الله علیه و سلم برای
بگذشتی هر که از وی در آمدی بدانی که وی از آن راه گذشته
است و اسحاق بن راهویه گفته است که آن را بچه خاقه وی
بودند آنکند طیبی بکار برده بود صلی الله علیه و سلم **و از آن جمله**
آنست مندیلی که بروی مبارک وی رسیده بود آتش بر آن
کار نمی کرد جماعتی همان انس بن مالک رضی الله عنه شده اند برای
ایشان طعام آورد چون فایز شدند کینه که خود را آواز داد
که فلان مندی را با آن کینه که مندی را چنان آورد انس و میرا
گفت در تنور آتش برافروز آتش بر افروخت پس بنمود
انفرد و سا عدا انور با بودی در